

An Analysis of Children's Right to Education in Light of the Right to Provision and the Right to Protection in the Convention on the Rights of the Child and the Iranian Legal System

Saeid Mahjoub 

Assistant Professor, Department of Private Law, University of Qom, Qom, Iran. sd.mahjoob@gmail.com

Abstract

The aim of this research is to elucidate the nature and status of “children’s right to education from the dual perspective of the right to provision and the right to protection,” and to examine the legal and legislative implications of this duality within the Iranian legal system and the Convention on the Rights of the Child. This article seeks to demonstrate that the right to education is not merely a provisionary (positive) right, but also possesses a protective (negative) dimension, and to clarify the consequences of this understanding for legal policymaking, legislation, and the interpretation of other children’s rights. The main research question is how the right to education of children, in terms of its legal nature, should be conceptualized within the child rights system (particularly the Convention on the Rights of the Child and Iranian law): is it solely among the provisionary obligations of states, or should it be regarded as a dual-aspect right that both requires the state to provide educational facilities and entails the prohibition of and resistance to any act or obstacle that deprives the child of this right? The research method is descriptive–analytical, and the findings indicate that, contrary to a purely positive conception, the child’s right to education is a dual-aspect right encompassing both the right to provision (the state’s obligation to establish, expand, and guarantee access to education) and the right to protection (the prohibition of and resistance to any form of infringement, deprivation, or discrimination in access to education), and that reducing this right to only one of these aspects undermines its effectiveness. The Convention on the Rights of the Child, particularly in Articles 28 and 29, adopts a predominantly positive and provisionary approach to the right to education, focusing on obligating states to provide compulsory and free primary education; by contrast, the protective dimension of the right to education—understood as the provision of deterrent guarantees against violations of this right—has not been explicitly and independently addressed in the Convention, which may be attributed to the absence of binding criminal and enforcement mechanisms within the conventional

Cite this article: Mahjoub, S. (2025). An Analysis of Children’s Right to Education in Light of the Right to Provision and the Right to Protection in the Convention on the Rights of the Child and the Iranian Legal System. *Parliament and Legislation*, 1(2), p. 25-42. <https://doi.org/10.22034/mlaw.2024.11011>

Received: 2025-04-11 ; **Revised:** 2025-06-07 ; **Accepted:** 2025-07-02 ; **Published online:** 2025-10-02

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Islamic Parliament Research Center



system. The Iranian legal system, unlike the Convention, has adopted a combined approach of provision and protection with respect to the child's right to education, beginning with the Law on the Provision of Means and Facilities for the Education of Iranian Children and Youth (1974), which initially emphasized the protective aspect and combating school dropout, and subsequently, in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, developed the provisionary right to education through broad and multi-layered stipulations, particularly regarding the free nature of education up to the secondary level. Overall, it can be stated that the right to education of children has been explicitly recognized in both the Convention on the Rights of the Child and the Iranian legal system; however, the point of reflection concerns the position of this right and its conceptualization from the perspective of provision and protection, since the right to provision represents the positive dimension and the right to protection represents the negative dimension of safeguarding children's rights, and the outcome of such a conceptualization manifests itself, on the one hand, in legal and statutory requirements and legislative imperatives, and on the other hand, in understanding its relationship with other children's rights and their requirements, including issues such as the right to corporal punishment; accordingly, the right to education appears to be a dual-aspect right encompassing both the right to provision and the right to protection, whereby, from the provisionary perspective, states are obliged to create and provide the necessary educational infrastructures for children, and from the protective perspective, any obstacle that deprives the child of this right must be confronted, with the Convention on the Rights of the Child—given its international exigencies—focusing on the right to provision and the free nature of primary education, and the Iranian legal system emphasizing both provision and protection simultaneously, with particular emphasis on free education at the primary and secondary levels.

Keywords: Right to provision, right to protection, Convention on the Rights of the Child, right to education, right to physical protection.

تحلیل حق بر آموزش کودکان در پرتو حق تأمین و حمایت در کنوانسیون حقوق کودک و نظام حقوقی ایران

سعید محبوب 

استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران. sd.mahjoob@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش تبیین ماهیت و جایگاه «حق آموزش کودکان از منظر دوگانه حق تأمین و حق حمایت، و بررسی آثار حقوقی و تقنینی این دوگانه در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون حقوق کودک است. این نوشتار می‌کوشد نشان دهد که حق آموزش صرفاً یک حق تأمینی (ایجابی) نیست، بلکه واجد بُعد حمایتی (سلبی) نیز بوده و این امر چه پیامدهایی در سیاست‌گذاری حقوقی، تقنین و تفسیر سایر حقوق کودک به همراه دارد. مسئله اصلی پژوهش این است که: حق آموزش کودکان از نظر ماهیت حقوقی، در نظام حقوق کودک (به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک و حقوق ایران) چگونه باید تبیین شود؟ آیا این حق صرفاً در زمره حقوق تأمینی دولت‌ها قرار می‌گیرد، یا آنکه باید آن را حقی دو وجهی دانست که هم مستلزم تکلیف دولت به فراهم‌سازی امکانات آموزشی و هم متضمن منع و مقابله با هرگونه اقدام یا مانعی است که این حق را از کودک سلب می‌کند؟ روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و یافته‌ها حاکی از آن است که حق آموزش کودک، برخلاف تلقی صرفاً ایجابی، حقی دو وجهی است که همزمان شامل حق تأمین (تعهد دولت به ایجاد، گسترش و تضمین دسترسی به آموزش) و حق حمایت (منع و مقابله با هرگونه تعرض، محروم‌سازی یا تبعیض در بهره‌مندی از آموزش) می‌شود. تقلیل این حق به یکی از این دو وجه، به تضعیف کارآمدی آن می‌انجامد. کنوانسیون حقوق کودک، به‌ویژه در مواد ۲۸ و ۲۹، با رویکردی عمدتاً ایجابی و تأمینی به حق آموزش نگریده و تمرکز خود را بر الزام دولت‌ها به فراهم‌سازی آموزش ابتدایی اجباری و رایگان قرار داده است. در مقابل، وجه حمایتی حق آموزش - به معنای پیش‌بینی ضمانت‌های بازدارنده در برابر نقض این حق - در کنوانسیون به‌صورت صریح و مستقل مورد توجه قرار نگرفته است که می‌توان آن را ناشی از فقدان سازوکارهای کیفری و اجرایی الزام‌آور در نظام کنوانسیون دانست. نظام حقوقی ایران، برخلاف کنوانسیون، رویکردی ترکیبی از تأمین و حمایت را در قبال حق آموزش کودک اتخاذ کرده است. این رویکرد، از قانون تأمین و وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (۱۳۵۳) آغاز شده که در آن، ابتدا بر وجه حمایتی و مقابله با ترک تحصیل تأکید شده و سپس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تصریح گسترده و چندلایه، حق تأمین آموزش به‌ویژه از حیث رایگان بودن تحصیلات تا مقطع متوسطه توسعه یافته است. در مجموع می‌توان گفت، حق بر آموزش کودکان به صراحت در کنوانسیون حقوق کودک و نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده است. با این حال آنچه محل تأمل بوده، جایگاه این حق و تبیین آن از منظر حق تأمین و حمایت است. از آنجا که حق تأمین جنبه مثبت و حق

استاد به این مقاله: محبوب، سعید (۱۴۰۴). تحلیل حق بر آموزش کودکان در پرتو حق تأمین و حمایت در کنوانسیون حقوق کودک و نظام حقوقی ایران.

مجلس و قانون‌گذاری، ۱(۲)، ص ۲۵-۴۲. <https://doi.org/10.22034/mlaw.2024.11011>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



حمایت جنبه منفی حمایت از حقوق کودک است، ثمره چنین تبیینی در الزامات حقوقی و قانونی و بایسته‌های تقنینی از یک‌سو و همچنین در فهم نسبت آن با سایر حقوق کودک و الزامات آن از جمله حق تنبیه وی، خود را نمودار می‌سازد. حق آموزش به نظر می‌رسد حقی دو وجهی و شامل حق تأمین و حق حمایت است. از منظر تأمین، دولت‌ها مکلف به ایجاد و فراهم ساختن بسترهای لازم آموزش کودکان هستند و از منظر حمایت، هرگونه مانعی که این حق را از کودک سلب کند، باید مورد مقابله قرار گیرد. تمرکز کنوانسیون حقوق کودک با توجه به اقتضائات بین‌المللی آن بر حق تأمین و رایگان بودن آموزش در مقطع ابتدایی و نظام حقوقی ایران به حق تأمین و حمایت به صورت توأمان با تأکید بر رایگان بودن آموزش در مقطع ابتدایی و متوسطه است.

کلیدواژه‌ها: حق تأمین، حق حمایت، کنوانسیون حقوق کودک، حق آموزش، حق حمایت جسمانی.

۱. مقدمه

خانواده، نهاد اصلی و ریشه تشکیل جامعه است. در میان ارکان خانواده، رکنی که بیش از همه محل آسیب و توجه است، کودک است. کودک از یک سو، نیازمند حمایت بیشتر به جهت ضعف ذاتی و جسمی بوده و از سوی دیگر، مقوم و تشکیل دهنده آینده جامعه است. بنابراین، از ضروریات نظام‌های حقوقی، حمایت از حقوق کودک می‌باشد. علی‌رغم اینکه از زمان تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۲۳، ۱۹۷ سند تصویب شده و هرچند نظام حقوقی غربی توجه ویژه‌ای به حقوق کودکان نموده است؛ با این حال، آنچه امروز در ادبیات حقوقی برخی نویسندگان غربی در خصوص حقوق کودکان مشاهده می‌شود، رویکردی بسیار انتقادی نسبت به عدم رعایت سیستماتیک حقوق کودکان با عباراتی چون «اشکال ظالمانه قدرت بزرگسالان بر کودکان»، «گروه ناهمگن و به‌حاشیه رانده‌شده» و «ناابرازی سیستمی و قانون‌گذاری علیه تبعیض» است (Freeman, 2004, p.133). به‌عنوان نمونه، در خصوص حق آموزش، نزدیک به نود و سه میلیون کودک در جهان از دسترسی به آموزش محروم هستند (انوشه، ۱۳۸۹، ص ۴۵). از این رو، حقوق کودکان توسط کمیته حقوق کودک، چالشی بزرگ برای همه دولت‌ها و بازیگران مربوطه دانسته شده است (David, 2002, p. 259-263). با تدقیق در کنوانسیون حقوق کودک به سهولت واضح می‌شود که دسته‌بندی مشخصی از حقوق کودک در این کنوانسیون به‌عمل نیامده است. با این حال، می‌توان حقوق کودک را ذیل سه حق تأمین^۱، حمایت^۲ و مشارکت^۳ تقسیم نمود که به‌صورت بسیار اجمالی در برخی تألیفات اخیر حقوق کودک در غرب قابل مشاهده است. به اعتقاد پژوهش حاضر خلأ حقوقی نوشتارهای حقوق کودک نیز، عدم توجه سیستماتیک ذیل سه مفهوم مذکور را نشان می‌دهد که نتیجه آن تاکنون فقدان نگاه کلان‌نگر به مجموعه حقوق کودک بوده است. حق آموزش در مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۲۸، حق کودک برای برخورداری از آموزش و راهکارهای آن، تصریح و در ماده ۲۹، اهداف آموزش کودک تشریح شده است. علی‌رغم این تصریحات، تحلیل این حق از حیث حق تأمین و حق حمایت، اهمیتی فراوان دارد؛ چراکه حق تأمین، متکفل حقوق مثبت و به‌عبارتی حق فراهم‌سازی است؛ در حالی که حق حمایت، متکفل حقوق منفی و در حقیقت، مصون‌سازی کودک است. بر این اساس، سؤال اساسی این است که حق آموزش کودکان در کنوانسیون حقوق کودک، چگونه حقی است و از سوی دیگر، مقنن ایرانی این حق را در چه قالبی تقنین نموده است؟ رابطه این حق با حق تنبیه کودک چگونه تحلیل می‌شود و رویکرد کلی موجود آیا می‌تواند در عین تحفظ بر ذاتیات نظام حقوقی، پاسخگوی حقوق کودک باشد؟ با تفحصی که

-
1. Provision
 2. Protection
 3. Participation

نگارنده در منابع موجود داشته است، هیچ منبعی به تحلیل این حق از منظر پیش گفته اقدام ننموده و صرفاً نگاشته‌هایی در توضیح اصل حق بر آموزش وجود دارد. حججی نجف‌آبادی و پایا (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای به حق بر آموزش کودکان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر اشاره کرده‌اند؛ که صرفاً اشاره‌ای به وجود این حق در اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حقوق کودک است. اسدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴) نیز در تحقیقی با عنوان «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر» پرداخته‌اند که فارغ از تحلیل این حق براساس حق تأمین و حمایت است. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و براساس داده‌های کتابخانه‌ای بوده و بر این مبنا، مقاله حاضر در سه‌بخش به‌سامان رسیده است.

۲. مفاهیم

۲-۱. حقوق کودک

در زبان فارسی، کودک در معنای «کوچک»، به دختر و پسر گفته می‌شود که به حد بلوغ نرسیده باشند. در زبان عربی هم، به کودک «صبی»، «صغیر» و «طفل» گفته می‌شود. برخی لغت‌دانان عرب، «طفل» را به «مولود» معنا کرده‌اند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۷۵۱)؛ اما برخی دیگر معتقدند، طفل به فرزند صغیر از انسان و حیوان گفته می‌شود. ابن‌انباری می‌گوید، لفظ طفل در مذکر و مؤنث و جمع به‌کار می‌رود (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۴). صاحب قاموس قرآن می‌گوید، طفل در واحد و جمع به‌کار می‌رود که آن اسم جنس و در اصل، مصدر است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۲۶). در زبان انگلیسی، «Infant» یا «Child» رایج‌ترین واژه‌هایی هستند که دربارهٔ کودک استفاده می‌شوند و منظور از این واژه‌ها، کسی است که هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد. نویسندگان مسلمان، کودک یا صغیر را وصفی در انسان دانسته‌اند که از زمان ولادت او آغاز می‌شود و تا زمانی که به بلوغ و رشد نرسیده باشد، ادامه می‌یابد (حبیبی و خسروی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۲). کنوانسیون حقوق کودک در تعریف سن کودک، مبنای اولیه را کم‌تر بودن سن کودک از ۱۸ سال دانسته است. با این حال، استثنایی را به آن اضافه نموده است تا هیچ اشکالی در تعیین سن مغایر در نظام حقوقی کشورها وجود نداشته باشد. این تعیین سن مغایر، ممکن است کم‌تر یا بیشتر از سن مطروحه در کنوانسیون باشد. در نظام حقوقی ایران، سنین مختلفی جهت خروج از کودکی در نظر گرفته شده است. قانون مدنی ایران در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ اشعار می‌دارد: «سن بلوغ در پسر، پانزده سال تمام قمری و در دختر، نه سال تمام قمری است». با رسیدن طفل به سن مذکور در قانون، موضوع حضانت منتفی و فرد، بالغ در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند در مرحله انتخاب قرار گیرد و با هریک از والدین خود که بخواهد زندگی نماید و ضرورت احراز رشد بعد از سن بلوغ صرفاً، به‌منظور تجویز دخل و تصرف فرد بالغ در امور مالی خود است. حقوق ایران، سن اخذ گواهینامه رانندگی را ۱۸ سالگی مقرر کرده و برای ترک تابعیت، سن ۲۴ سالگی را معیار قرار داده است. قانون مجازات

اسلامی ۱۳۹۲ نیز در بخش اطفال و نوجوانان، نظام ویژه‌ای طراحی نموده است. در راستای تحولات و توجه مقنن جمهوری اسلامی ایران به مسئله کودک، هیأت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۳، وزارت دادگستری را به‌عنوان مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک تعیین نمود. سپس، در آیین‌نامه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۹۰، هیأت‌وزیران در بند «الف» ماده ۱، کودک را تمامی افراد کم‌تر از ۱۸ سال تمام شمسی دانسته‌اند. پس از تفتّن به مفهوم کودک، در خصوص حقوق کودک می‌توان چنین گفت که حقوق کودک، مجموعه توانایی‌ها و امتیازاتی است که به کودک، بماهو کودک تعلّق می‌گیرد. این حقوق و امتیازات اعم از حق مطالبه، حق امتیاز، حق مصونیت و حق توانایی است و در چارچوبی دیگر می‌توان آن را به حق تأمین، حق حمایت و حق مشارکت تقسیم نمود که در این مقاله، حقوق کودک از این منظر محل توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲. حق تأمین

تأمین در لغت فارسی به‌معنای امین کردن، حفظ کردن و امن نمودن، امین پنداشتن، اعتماد و راستی کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۸۵). اگر این واژه به صورت «تأمین دادن» استعمال شود، به‌معنای «امان دادن» و اگر به‌صورت «تأمین کردن» استعمال شود، به‌معنای «فراهم کردن» است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۸۶). باتوجه به اینکه این واژه ترجمه کلمه انگلیسی «Provision» است؛ بنابراین، ترجمه صحیح آن فراهم‌سازی و آماده نمودن می‌شود که این معنا با واژه تأمین کردن، حاصل می‌گردد. از سوی دیگر، در لغت، «حق تأمین» در معنای مصدری به‌معنای «حق فراهم کردن» و در معنای اسم مصدری به‌معنای «حق فراهم‌سازی» است. اما در اصطلاح حقوقی باتوجه به جدید بودن مبحث، هرچند هیچ تعریف محصلی به فراخور توجه به خود کلمه یافت نشد؛ با این حال برخی نویسندگان در حوزه کودک، حق تأمین را معادل برابری دسترسی به خدمات باکیفیت برای کودکان دانسته‌اند (Campbell Barr, 2021, p. 221). این تعریف با محذوراتی همچون ابهام و عدم شمول به برخی مصادیق همچون حق نسب مشروع، مواجه است. به همین جهت، نگارنده معتقد است باید حق تأمین را به حق کودک در دسترسی به حقوقی که داشتن آنها برای تضمین بقا و رشد جسمی و روانی کودکان تا حد توان آنها ضروری است، تعریف نمود. به‌عنوان نمونه، مراقبت‌های بهداشتی موضوع ماده ۲۴ و حق بازی موضوع ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک از این قبیل است. توجه به این نکته لازم است که همه حقوق تأمین در یک‌راستا و به یک اندازه اهمیت ندارند. برای مثال، حقوق «برخوردار از بالاترین استانداردهای سلامت و امکاناتی برای درمان بیماری و توان‌بخشی سلامت»، «استاندارد زندگی مناسب جسمی، روانی کودک، رشد معنوی، اخلاقی و اجتماعی» و «اجرای کامل حقوق اساسی و رویه‌ای» اهمیتی فراوان دارند (Hallett, 2000, p. 392). از سوی دیگر، حق حمایت، به حقوقی از کودک

اطلاق می‌شود که نیازمند حفظ مصونیت آنها در مقابل تعدی دیگران است. به عبارت دیگر، حق حمایت، از حقوق منفی حمایت از کودکان است (S. Livingstone, 2017). توضیح آنکه، در حق حمایت که از اقسام حقوق منفی است، هیچ شخصی اعم از حقیقی و حقوقی، حق دست‌اندازی و تعرض به مصادیق آن را ندارد؛ در حالی که، در حقوق مثبت همانند حق تأمین و مشارکت، ضروری است اقداماتی جهت حفظ آن حق صورت پذیرد. در این معنا، حمایت از حق حیات کودک به معنای ممانعت دیگران از کشتن کودک و تأمین حق حیات کودک به معنای الزام عملی دیگران برای حفظ زندگی کودک است. در همین قیاس، زمانی که سخن از حمایت مادی و غیرمادی از کودک می‌شود، به معنای جلوگیری و ممانعت از نقض این حقوق توسط دیگران و به معنای تکلیف حاکمیت به تقنین در این حوزه است.

۳-۲. حق مادی و معنوی

همان‌طور که گفته شد، حق حمایت مادی ناظر به جنبه‌های مادی حمایت از کودک است. حق حمایت مادی را می‌توان به حق حمایت مادی غیرمستقیم و حق حمایت مادی مستقیم تقسیم نمود. حق بر آموزش به نظر می‌رسد اصالتاً حقی معنوی است؛ چراکه با رشد فکری و اندوخته غیرمادی او همراه است، اما نیازمند تضمین و تهیه مقدماتی از مسائل مادی نظیر کلاس درس، ابزار تدریس و غیره است که از حقوق مادی محسوب می‌گردد. به همین جهت، تبیین این حق در کنوانسیون و نظام حقوقی ایران، نیازمند نگاهی مادی و معنوی است.

۳. تحلیل ماهیت حق آموزش از منظر حق بر تأمین و حمایت در کنوانسیون حقوق کودک

حق بر آموزش نه تنها شامل دسترسی، بلکه شامل کیفیت آموزش و حقوق در آموزش است (Stockholm Studies in Child Law and Children's Rights, 2023, p.140). کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۲۸ و ۲۹ به صورت صریح حق بر آموزش را مقرر کرده است. تفاوت این دو ماده به صورت کلان، در وضع اصل حق و هدف آن است؛ به گونه‌ای که ماده ۲۸، اصل حق آموزش را به رسمیت می‌شناسد و ماده ۲۹، هدف از آن را تشریح می‌کند.

ماده ۲۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد:

۱- کشورهای عضو، حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی به این حق، به صورت روزافزون و بر پایه ایجاد فرصت‌های برابر، به ویژه اقدامات زیر را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری کردن و در دسترس قرار دادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه؛

ب) تشویق و ترویج ایجاد و گسترش انواع مختلف آموزش متوسطه، از جمله آموزش عمومی و فنی حرفه‌ای، فراهم کردن و قرار دادن آنها در دسترس همه کودکان، و به عمل آوردن اقدامات مقتضی از

قبیل ارائه آموزش رایگان و اعطای کمک‌های مالی در صورت نیاز؛

پ) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و از هر طریق مناسب؛
ت) فراهم نمودن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای و قرار دادن آنها در دسترس همه کودکان؛

ث) به‌عمل آوردن اقداماتی جهت تشویق به حضور منظم در مدارس و کاهش موارد ترک تحصیل.
۲- کشورهای عضو، کلیه اقدامات مقتضی را جهت تضمین اینکه نظم و انضباط در مدارس مطابق با کرامت انسانی کودک و مفاد پیمان‌نامه حاضر اعمال می‌شود، معمول خواهند داشت.
۳- کشورهای عضو، همکاری‌های بین‌المللی را در موارد مربوط به آموزش، به‌ویژه در جهت مشارکت در ریشه‌کن کردن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به دانش علمی و فنی و روش‌های نوین تدریس، تشویق و ترویج خواهند کرد. در این خصوص، توجهی ویژه به نیازهای کشورهای در حال رشد مبذول خواهد شد.

بند ۲ و ۳ ماده مذکور، به صورت کلی متضمن اصل حق نیستند و به ایجاد تضمیناتی جهت استقرار این حق و ریشه‌کن کردن جهل و بی‌سوادی ناظراند. به همین جهت، آنچه محل توجه و اهمیت فراوان در ماده ۲۸ است، بند (۱) این ماده می‌باشد. صدر ماده، ایجاد فرصت‌های برابر را پایه حق آموزش دانسته است. ایجاد فرصت‌های برابر، به معنای نفی تبعیض است. در اینکه تبعیض سنی به چه معنا است، متأسفانه کنوانسیون هیچ تعریفی از آن ارائه نداده (Stockholm Studies in Child Law and Children's Rights, 2023, p.140-141) ولی می‌توان تبعیض را به دو شکل تصوّر نمود. گاه تبعیض در روابط کودک و بزرگسالان قابل تصوّر است و گاه می‌توان تبعیض میان کودکان را گونه‌ای مستقل به‌شمار آورد. کنوانسیون به‌طور کلی، جهت رفع تبعیض در قسم اول وضع شده و چنانچه از نام آن پیدا است به حقوق کودکان در مقابل بزرگسالان پرداخته است. با این حال، در متن کنوانسیون، مواردی نظیر بند یک ماده (۲) نیز به‌صراحت تبعیض میان کودکان را نفی کرده است. این بند اشعار می‌دارد: «کشورهای عضو، حقوق مندرج در پیمان‌نامه حاضر را برای هریک از کودکانی که در حوزه قضایی آنها هستند، بدون هرگونه تبعیض و بدون توجه به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، ملیت، قومیت و پیشینه اجتماعی، دارایی، معلولیت، تولد یا سایر موقعیت‌ها برای کودک یا والدین یا سرپرست قانونی او محترم شمرده و تضمین خواهند کرد». آنچه در بند یک ماده ۲۸ اراده شده است، ممانعت از تبعیض سنی کودکان در مقابل یکدیگر است. این تبعیض سنی، به دو دسته قابل انقسام است: تبعیض سنی مستقیم و غیرمستقیم. تبعیض سنی مستقیم علیه کودکان به زمانی اشاره دارد که با کودک به‌دلیل سن، با محرومیت از خدمات، رفتاری کمتر، متفاوت‌تر و بدتر صوت گیرد. تبعیض غیرمستقیم علیه کودکان شامل مواردی است که با کودک مانند دیگران رفتار می‌شود؛ اما همچنان از فرصت‌های برابر به‌دلیل سن، جنسیت و...

برخوردار نیست (Stockholm Studies in Child Law and Children's Rights, 2023, p. 141). در اقسام این تبعیض نیز می‌توان به وجود تنبیه بدنی، قلدری و بی‌توجهی به سلامت روان کودکان اشاره کرد. بند «الف» قسمت یک ماده مقرر می‌دارد: «اجباری کردن و در دسترس قرار دادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه». این کنوانسیون حق آموزش را به سه مقطع ابتدایی، متوسطه و عالی تقسیم کرده است و آموزش در مقطع ابتدایی را رایگان و اجباری اعلام نموده و دولت‌ها را موظف می‌کند حتی الامکان آموزش در دو مقطع دیگر را نیز به تساوی در اختیار همگان قرار دهند (بلیخ، ۱۳۸۳، ص ۵). به‌لحاظ تحلیلی در دسترس قرار دادن و مهیاء نمودن آموزش ابتدایی رایگان، وجهی از حق مثبت و بنابرین، ازجمله حقوق تأمین است؛ چراکه دولت‌ها بر این اساس، مکلف به اجباری کردن و در دسترس قرار دادن آن شده‌اند و همان‌طور که گفته شد، حق تأمین، به حق کودک در دسترسی به حقوقی که داشتن آنها برای تضمین بقاء و رشد جسمی و روانی کودکان تاحد توان آنها ضروری است؛ اطلاق می‌شود. از سوی دیگر، تشویق و ترویج، خارج از ماهیت حقوقی تأمین و حمایت است و به همین جهت در بند ب، فارغ از تشویق و ترویج، با قیود فراهم کردن و قرار دادن انواع مختلف آموزش متوسطه ازجمله آموزش عمومی و فنی حرفه‌ای در دسترس همه کودکان، مواجه‌ایم. با مقایسه این بند با بند «الف» همین ماده، به‌روشنی مشخص می‌شود که هرچند کنوانسیون به‌دنبال ایجاد بستری برای آموزش حتی در مقاطع متوسطه به بعد است؛ با این حال اجباری بودن این حق، صرفاً در مقطع ابتدایی محل توجه بوده و در مقاطع تحصیلی بالاتر، صرف در دسترس بودن آن برای همه کودکان محل توجه قرار گرفته است.

در بند «ت» به فراهم نمودن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای و قرار دادن آنها در دسترس همه کودکان تصریح شده است. تفاوت این بند با بند «ب» در این است که، زمانی که سخن از فراهم نمودن چیزی و در دسترس قرار دادن آن گفته می‌شود، دقیقاً به‌معنای ایجاد حق تأمین به‌نفع کودک و برعهده دولت است که به‌وضوح، این امر در بند «ت» قابل مشاهده است؛ در حالی که در بند «ب»، تشویق و ترویج چیزی جهت ایجاد، محل توجه قرار گرفته است که مقدمه ایجاد حق تأمین است. بنابراین، بند «ث» نیز که به‌عمل آوردن اقداماتی جهت تشویق به حضور منظم در مدارس و کاهش موارد ترک تحصیل را محل توجه قرار داده است، نمی‌تواند به‌عنوان حق تأمین بحث و بررسی گردد. با این حال، تشویق‌هایی که در بند «ب و ث» مشاهده می‌شود، ضرورتاً به‌معنای بی‌حاصل بودن آنها نیست؛ چراکه امروزه اهمیت توسعه سیاست خانواده در سطح اروپا و در سطح جهانی شناخته شده است. در عین حال، سیاست در قبال خانواده عمدتاً بخشی از سیاست‌های گسترده‌تر مانند سیاست‌های حمایت اجتماعی مسکن، آموزش و بهداشت است. بنابراین، توسعه سیاست‌ها، ساختارها و خدماتی که زمان، پول و مهارت‌های کافی را در اختیار والدین قرار دهد تا بتوانند از فرزندان خود مراقبت کنند و از آنها لذت ببرند و رشد آنها را بیشتر کند، بسیار مهم است (Dolan, Zegarac & Arsic, 2020, p. 22). در حقیقت، به

موازات توصیه‌ها جهت تشویق و ترویج با توسعه سیاست‌ها و ساختارهایی که والدین بتوانند حق آموزش را فراهم کنند، به تحقق و تأمین این حقوق مانند افزایش ثبت نام کودکان در آموزش پیش‌دبستانی اقدام می‌شود. (Dolan, Zegarac & Arsic 2020, p.10)؛ چراکه دولت‌ها ملزم به تخصیص حداکثر سطح منابع موجود برای تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله آموزش هستند (Van Esveld, 2023, p.3). از طرفی حق آموزش، در زمره حقوق بشر است و با توجه به آنکه اعلامیه کنوانسیون جهانی حقوق بشر ۱۹۴۳ مقرر می‌دارد تمامی حقوق بشر، جهانی، غیرقابل تفکیک، مرتبط و وابسته به یکدیگرند؛ لذا، این حق با سایر حقوق بشر از جمله حق سلامت، حق حیات، حق کار، حق بر آزادی عقیده، بیان و اطلاعات، حق تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها، حق بر عدم تبعیض، حق مسکن و حق منع شکنجه، در ارتباط است (Office United Nation Human Right, 2010, p. 5-6). به همین جهت، بدون تردید از اقتضائات حق بر آموزش، آزادی بیان است. بنابراین، اگر کودک نتواند آنچه را آموخته است، بیان کند، در حقیقت آموزش وی، به مطلوب خود نرسیده است. ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک در این راستا بیان می‌دارد: «۱- کشورهای عضو، تضمین خواهند کرد کودکی که توانایی بیان کردن و اعلام دیدگاه‌های خود را دارد، حق ابراز آزادانه این دیدگاه‌ها و نظرات را در کلیه اموری که به وی مربوط می‌شود، داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک، به نظرات او اهمیت لازم داده شود. ۲- بدین منظور، ضرورت دارد فرصت شنیده شدن و اظهارنظر برای کودک در کلیه مراحل دادرسی‌های قضایی و اجرایی مربوط به خود، به صورت مستقیم و یا از طریق یک نماینده یا فردی مناسب، به روشی منطبق با مقررات آئین دادرسی در قوانین داخلی، فراهم شود». به گفته کمیته حقوق کودک سازمان ملل، کودک از سنین پایین قادر به ایجاد دیدگاه است؛ حتی زمانی که ممکن است نتواند آن را به صورت شفاهی بیان کند. بنابراین، اجرای کامل ماده ۱۲ نیازمند شناخت و احترام به اشکال غیرکلامی ارتباط از جمله بازی، زبان بدن، حالات چهره و طراحی و نقاشی است (Stockholm Studies in Child Law and Children's Rights, 2023, p.137). علاوه بر ماده ۲۸ که به اصل حق آموزش پرداخته، ماده ۲۹ کنوانسیون به اهداف آموزش کودک اشاره کرده است. از آنجاکه اهداف خارج از قلمرو حقوق تأمین و حمایت است و صرفاً در مواردی چون شیوه تفسیر و غیره کاربرد دارد؛ بنابراین، مسلماً این ماده، خارج از قلمرو این پژوهش است.

با این حال، نباید حق آموزش را منحصر بدین دو ماده دانست. بند یک ماده ۱۹ اینگونه مقرر داشته است: «کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار، من جمله سوءاستفاده‌های جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم‌های قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد». در حقیقت، این ماده حق حمایت از کودک را در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، بی‌توجهی،

بدرفتاری و استثمار به رسمیت شناخته است. این حق به شکلی دیگر در ماده ۳۲، اینگونه محل حمایت قرار گرفته است: «کشورهای عضو، حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیانبار باشد یا خللی در تحصیل و آموزش کودک وارد آورد، و یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند، به رسمیت می‌شناسند». در حقیقت، این دو ماده به حق حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، بی‌توجهی، بدرفتاری و استثمار را به رسمیت شناخته است. براساس تحلیل مواد مذکور، روشن می‌شود که در کنوانسیون حقوق کودک، حق آموزش کودک، در قالب حق تأمین و حق حمایت به صورت توأمان مورد توجه قرار گرفته است. از یک سو، حق تأمین آموزش و پرورش رایگان و اجباری در مقطع ابتدایی و همچنین، حق تأمین آموزش و پرورش رایگان در مقطع متوسطه ولی بدون اجبار و از سوی دیگر، حق حمایت از آموزش کودک بدین معنا که هیچ احدی حق ممانعت از امر را ندارد. همچنین، هیچ‌کسی نمی‌تواند در تحصیل و آموزش کودک و یا به سلامتی و رشد ذهنی، اخلاقی و اجتماعی او که طبعاً بر اثر آموزش حاصل می‌گردد، خللی وارد کند. بنابراین، چهره آموزش در کنوانسیون حقوق کودک، چهره‌ای دو وجه به صورت توجه توأمان به حق تأمین به عنوان حقی مثبت و حق حمایت به عنوان حقی منفی می‌باشد.

۴. تحلیل ماهیت حق بر آموزش از منظر حق بر تأمین و حمایت در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی اسلام و ایران، اطلاق کلمه «حق» بر چیزی که نه قابل نقل است و نه قابل اسقاط، جز از باب مجاز یا استعمال اعمی حق، صحیح نیست (شیرازی زنجانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹). در حقیقت فارق حق از حکم، امکان نقل، انتقال یا اسقاط است و اگر ماهیتی فاقد این ویژگی‌ها و به خصوص قابل اسقاط نباشد، اطلاق حق بر آن یا اطلاق مجازی است و یا اینکه حق در معنای اعم آن، که به معنای جواز و عدم جواز است، می‌باشد. با این توضیح، اطلاق حق بر آموزش، در حالی که امکان اسقاط آن توسط طفل یا ولی او وجود ندارد، استعمال حق در اعم و به صورت مجاز و به معنای توانایی طفل بر دارا شدن چنین امری از جانب او می‌باشد. در نظام حقوقی ایران، قانون اساسی ایران در اصول ۳، ۳۰ و ۴۳ به حق آموزش پرداخته است. در بند ۳ اصل سوم اینگونه مقرر شده که: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی». اصل سی‌ام با تفصیلی بیشتر، همین اصل را اینگونه اشعار داشته است: «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد». وظیفه دولت در زمینه ارائه آموزش رایگان فقط شامل مقاطع ابتدایی و متوسطه شده و قسمت دوم این بند به منزله تخصیص قسمت اول است. به عبارت

دیگر، قانون‌گذار در قسمت ابتدایی این بند قاعده کلی را بیان نموده که همان رایگان بودن آموزش در تمام سطوح است و در قسمت دوم، با این بیان که آموزش عالی باید تعمیم و تسهیل یابد، قاعده خاصی که در خصوص آموزش عالی وجود دارد را مطرح نموده است (اسدی‌نژاد، رستمی و مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲). در نظریه سال ۱۳۶۳ شورای نگهبان به شماره ۱۵۴۳ اینگونه آمده است: «اصل سی‌ام قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن، مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به‌طور متعادل طبق قانون توزیع نماید. بنابراین، آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی، دولت با رعایت اولویت‌ها مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران، اقدام می‌نماید. لازم به تذکر است که مستفاد از اصل سی‌ام قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی به‌موجب قوانین عادی نیست. علی‌هذا مادام که دولت از امکانات فراهم کردن وسایل آموزش رایگان برخوردار نیست، عمل به مصوبه شورای انقلاب مغایر با قانون اساسی نیست». با نگاهی به قانون اساسی به‌عنوان سندی بالادستی و کنوانسیون حقوق کودک، به‌وضوح روشن می‌شود که در کنوانسیون، همان‌طور که در بند یک ماده ۲۸ تصریح شده است، صرفاً آموزش رایگان در مقطع ابتدایی و سپس، گسترش آموزش متوسطه از الزامات است؛ در حالی که اصل ۳۰ قانون اساسی در حداقلی‌ترین تفسیر، حق تأمین آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه حق ملت دانسته است؛ که از این جهت، مسلماً قانون ایران فراتر از کنوانسیون، حق آموزش را تأمین نموده است.

علاوه بر قانون اساسی، توجه به آموزش در قوانین و مقرراتی چند، محل توجه قرار گرفته است. قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب (۱۳۵۳)، قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۳۶۹)، قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی (۱۳۶۷)، طرح اجرایی سوادآموزی (۱۳۶۶)، ماده واحده ایجاد شرایط تسهیل زمینه‌های ادامه تحصیل دانش‌آموزان (۱۳۸۸) و اصلاحیه دستورالعمل تأسیس، اداره و انحلال انواع مهدهای کودک مصوب (۱۳۸۷) از مهم‌ترین تقنینات دیگر در این حوزه است. با این حال، باید توجه نمود این قوانین با توجه به اینکه تمرکز پژوهش حاضر بر حقوق کودک است، همگی ارتباط تام با حقوق کودک ندارند و بدین جهت، ضروری است در بحث از حقوق کودک در نظام حقوقی ایران، بدین نکته توجه گردد. حق تأمین آموزش، حقی ایجابی است، اما از آنجاکه آموزش مستلزم مقدماتی نظیر سرویس ایاب و ذهاب، هزینه لوازم التحریر و غیره است؛ بنابراین، تهیه این مقدمات نیز برعهده ولی است. نظام حقوقی ایران، این امر را در ماده ۱۱۹۹ تصریح کرده است. که نفقه اولاد برعهده پدر است و از سوی دیگر، مصادیق نفقه را اعم قرار داده است؛ تا جایی که می‌توان بر این اعتقاد بود که نفقه کودک شامل هر چیزی می‌شود که برای رشد روحی و جسمی کودک ضروری است. نظام حقوقی ایران در این خصوص، صرفاً به قانون اساسی و مدنی اکتفاء نکرد و در یکی از مهم‌ترین

مقررات، در ماده ۱۰ اصلاحیه دستورالعمل تأسیس، اداره و انحلال انواع مهدهای کودک مصوب ۱۳۸۷ به مشخصات ساختمان مهد کودک و تجهیزات لازم که به کلی ناظر به ابعاد حق تأمین در حدود موارد آموزشی است، پرداخت. این ماده، ۲۲ بند دارد که در بند ۱۰ اشعار داشته است: «اتاق فعالیت کودکان مجهز به میز، صندلی، وسایل آموزشی، کمک آموزش، وسایل بازی مناسب گروه‌های سنی و...» باید باشد که بدین لحاظ و به صراحت به حق تأمین کودک در دسترسی به خدمات با کیفیت و حقوق مثبت تصریح نمود. این تصریح در حقوق پاره‌ای کشورها وجود دارد؛ اما مشکل از عدم تساوی میان شهروندان یک کشور با دیگران ظهور می‌کند. در حقیقت، قوانین داخلی بسیاری از کشورها حق تحصیل را برای همه تضمین نمی‌کند یا در صورت تضمین، دسترسی به آموزش ممکن است به دلیل شرایط دیگر، مانند اسناد هویت قانونی، اقامت، یا تحصیلات قبلی منع شود (Van Esveld, 2023, p. 5). ایران با جمعیت ۸۴ میلیون نفری، تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۷۵۷ دلار و ۹۸۰۰۰۰ پناهنده، به دانش‌آموزان پناهنده اجازه می‌دهد تا در سیستم آموزشی ملی ثبت‌نام کنند و آنها را از هزینه‌های مدرسه معاف می‌کند (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲)، و ۸۷ درصد از کودکان پناهنده در این کشور ثبت‌نام کرده‌اند. با این حال، بنگلادش با دو برابر جمعیت ایران (۱۶۵ میلیون)، تولید ناخالص داخلی سرانه مشابه (۲۵۰۳ دلار)، میزبان پناهندگان کمتری نسبت به ایران (۸۵۰۰۰۰) است؛ اما هیچ‌یک در آموزش رسمی نیستند (UN, 2022).

از آنجاکه اکتفاء به حق تأمین بدون حق حمایت، به هیچ‌وجه نمی‌تواند تضمین کافی جهت به‌هدف نشستن قانون ارائه دهد؛ بنابراین، قانون‌گذار ایرانی اقدام به وضع قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی در سال ۱۳۵۳ نمود. براساس ماده (۱) این قانون «کلیه اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیل می‌باشند، باید بدون هیچ‌گونه مانعی به تحصیل بپردازند و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را از تحصیل بازدارد، جز با مجوز قانونی». ماده ۴ همین قانون نیز اشعار نمود: «هریک از پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از هجده سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او می‌باشد و با داشتن امکانات مالی از تهیه وسائل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره‌های مربوط از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد، امتناع کند یا به‌نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مراجع قضائی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند، به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد». بدین ترتیب، مقنن، اقدام به وضع حق حمایتی جهت تضمین حق تأمین کودکان نمود. چالش دیگر، بحث تنبیه در آموزش است. به‌صورت کلی در خصوص تنبیه در قوانین ایران ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ناظر بر این موضوع است. در اینکه شیوه تربیت برعهده چه‌کسی است، در حقوق ایران براساس اصل ۱۲ قانون اساسی و ماده واحده رعایت احوال

شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲، انتخاب شیوه تربیت کودک برعهده والدین نهاده شده و در مجموع، با نگاهی به مجموع این مواد مشخص می‌گردد، مقنن داخلی به تنبیه کودک و اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان توجه کرده است؛ اما در اسناد حقوق بشری، تنبیه به منظور تربیت کودک پذیرفته نشده است (اسدی‌نژاد، رستمی و مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱). اما نباید چنین امری را مانع پذیرش حق والدین در القای تعلیمات به کودک دانست. براساس بند ۳ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، پدر و مادر حق دارند نوع تعلیماتی را که باید به کودکان آنان داده شود، انتخاب کنند. امروزه چالش دیگر، آموزش از طریق فضای مجازی است. با توجه به اینکه در زمان تصویب قانون مذکور، بحث مجازی به صورت کلی سالبه به انتفاء موضوع بوده است، هم‌اکنون یک تفکر اشتباه در خصوص تقنین در حوزه دسترسی کودکان به اینترنت وجود دارد که حتی در کشورهای غربی نیز محل توجه جدی است. در حال حاضر، بسیاری از فعالان حوزه حکمرانی اینترنت بر این باورند که اگر بتوان برای همه کاربران، همراه با مقرراتی مشخص برای جلوگیری از سوءاستفاده جنسی از کودکان در فضای مجازی، حمایت‌های حقوقی لازم را پیش‌بینی کرد، باقی مسائل و مشکلات را می‌توان با اطمینان بیشتری به مسئولیت و نظارت والدین سپرد. هم‌اکنون فعالان حاکمیت اینترنت امیدوارند که اگر بتوانند حقوقی را برای عموم مردم، با برخی مقررات اضافی برای فعالیت‌های غیرقانونی سوءاستفاده جنسی از کودکان در فضای مجازی، حمایت کنند؛ هرگونه مشکل باقی‌مانده را می‌توان با خیال راحت به والدین واگذار کرد. اما ممکن است چنین مشکلاتی ریشه‌های عمیق‌تری داشته باشند (Livingstone & Third, 2017, p. 4). بدون تردید، بحث آموزش اگر همراه با سوءاستفاده‌هایی از این منظر باشد، ضروری است مقنن با ورود جدی و عالمانه به این موضوع، از کودک و در نتیجه نهاد خانواده حمایت نماید.

۵. نتیجه‌گیری

حق آموزش کودک از مهم‌ترین حقوق کودک است که در کنوانسیون حقوق کودک و نظام حقوقی ایران به آن تصریح شده است. کنوانسیون در ماده ۲۸ به اصل حق و در ماده ۲۹ به اهداف آن پرداخته است. از منظر حق تأمین که دربردارنده حقوق مثبت و ناظر به تهیه و تأمین حقوق است، کنوانسیون با نگاهی مثبت صرفاً به تأمین این حق پرداخته و متکفل حق حمایت که پرتویی از حقوق منفی بوده و به دنبال بازدارندگی از تعرض به آن است، نشده است. ممکن است این امر به جهت فقدان بازوی کیفری و عدم تکلیف کنوانسیون بدان تحلیل گردد. کنوانسیون، آموزش ابتدایی را اجباری و رایگان دانسته و وجه رایگان بودن آن برای عموم، اجباری بودن تهیه و تأمین آن از سوی دولت‌ها است. هرگونه تبعیض سنی بر این اساس، اعم از تبعیض مستقیم و غیرمستقیم نفی گردیده و تشویق و تحریص از سوی کشورها به حق بر آموزش توصیه شده است. از سوی دیگر، در نظام حقوقی ایران حق بر آموزش در قانون اساسی و برخی

قوانین و مقررات دیگر محل توجه قرار گرفته است. از منظر حق تأمین و حمایت، قابل توجه است که مقنن در سال ۱۳۵۳ در قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، نخست اهمیت بیشتری به حق حمایت داده و سپس، در قانون اساسی در سال ۱۳۵۷ به وجهی مبسوط و در موادی متعدد به حق تأمین آموزش پرداخته است. در قانون اساسی در حداقلی ترین تفسیر، رایگان بودن تحصیلات تا مقطع متوسطه پذیرفته شده و این حق برای کودکان مفروض است؛ امری که در کنوانسیون تا پایان مقطع ابتدایی پذیرفته شده است. از سوی دیگر، مقرراتی خاص همچون اصلاحیه دستورالعمل تأسیس، اداره و انحلال انواع مهدهای کودک مصوب ۱۳۸۷ با تفصیلی قابل توجه به حق تأمین کودک در آموزش و استفاده از امکانات باکیفیت تصریح می نماید.

فهرست منابع

- اسدی‌نژاد، محمد؛ رستمی، عباداله؛ مرادی، فاطمه (۱۳۹۴). حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر. *فقه و حقوق خانواده*، شماره ۶۴، ص ۱۷۳-۱۹۴.
- انوشه، مهدی (۱۳۸۹). حق بر آموزش حداقلی در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بلیغ، ناهید (۱۳۸۳). *کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران*. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۵.
- حبیبی، زهره؛ خسروی‌نیا، حسن (۱۳۹۳). *بررسی موارد مغایرت کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان با فقه و حقوق اسلامی*. قم: آیین محمود.
- حججی نجف‌آبادی، مرضیه؛ مسیمو، پایا (۱۳۹۸). حق بر آموزش کودکان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. *حقوق کودک*، ۱(۳)، ص ۲۱۳-۲۳۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.
- شیرازی زنجانی، سید موسی (بی‌تا). *دروس خارج بیع*. قم: مرکز فقهی امام محمدباقر(ع).
- فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: منشورات دار الرضی، ج ۲.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامية، ج ۴.
- Campbell-Barr, V. (2021). The Provision, Protection and Participation of Children's Rights in Professional Practice. *Journal: Young Children in the World and Their Rights International Perspectives on Early Childhood Education and Development*, p. 221-233. https://doi.org/10.1007/978-3-030-68241-5_16
- David, P. (2002). Implementing the Rights of the Child: Six Reasons Why the Human Rights of Children Remain a Constant Challenge. *International Review of Education*, no. 48, p. 259-263.
- Dolan, P., Zegarac, N. & Arsic, J. (2020). Family Support as a right of the child. *Social Work & Social Sciences*, 18(1).
- Freeman, M. (2004). Children's Rights. *Wiltshire: Ashgate Darmouth*, no. 1.
- Hallett, Ch. (2000). Children's Rights. *Child Abuse Review*, no. 9, p. 389-393.
- Livingstone, S. & Third, A. (2017). *Children and young people's rights in the digital age: An emerging agenda*. <https://doi.org/10.1177/1461444816686318>
- Office United Nation Human Right (OUNHR/FAO). (2010). *The Right to Adequate Food, Fact sheet*. no. 34.
- Stockholm Studies in Child Law and Children's Rights (2023). *The Rights of the Child, Chapter 6 Childism – on Adult Resistance to Children's Rights*. Vol. 7, by Rebecca Adami, p. 127-147.
- UNHCR & World Food Programme. (2022, April 10). UNHCR and WFP help refugee children stay in school and reach for their dreams. *UNHCR*. URL=

<https://www.unhcr.org/ir/news/unhcr-and-wfp-help-refugee-children-stay-school-and-reach-their-dreams>

Van Esveld, B. (2023). A Will and a Way: Making Displaced Children's Right to Education Enforceable. *Laws*, no.16.